

جدول و سرگرمی

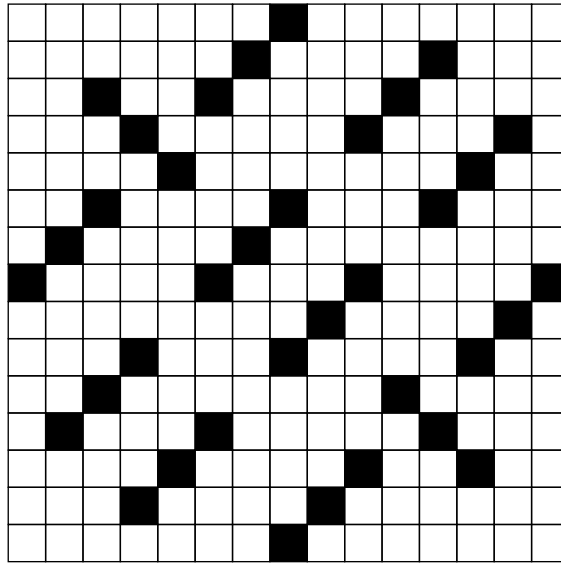


افقی:

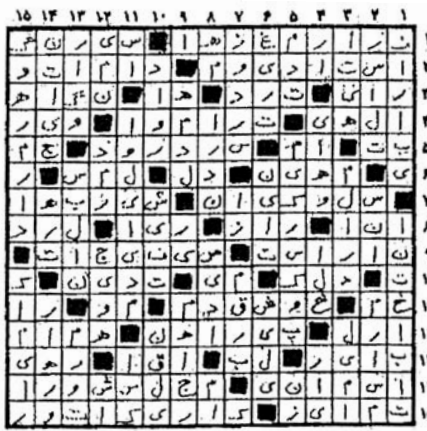
- ۱- قهرمانی برخاسته از میان مردم در نهضت مشروطیت- در عهد صفوی به فرمانده صد سوار می گفتند
- ۲- گمان و خیال- فصیح و رسا-مرکز استرالیا
- ۳- واحد پولی است- گلی معطر در رنگ آبی و بنفش- عنصری شیمیایی - بالا آمدن آب دریا
- ۴- رابط جنین و مادر- وزنه ای ورزشی- لون و صبغه
- ۵- پسوند شباهت- رییس نظامی یا انتظامی- از خودروهای ژاپنی
- ۶- واژه خطاب و هشدار- لقبی انگلیسی- زمان رقابت در بعضی ورزش ها- حرف کلیت
- ۷- کارشناس تاریخ - تارک دنیا و صومعه نشین

عمودی:

- ۱- خواربار و لوازم جشن و معاش- فستیوال
- ۲- خالی و بی محتوا- هم اکنون- نگرش ناراست
- ۳- از دادنی ها- ساکن و ملایم- نت چهارم- جامش را جمشید داشت
- ۴- سخن گزاف- پدر از دست دادن- واژه پرسشی
- ۵- خراش مختصر- دعوت عام- شهری در چهارمحال و بختیاری
- ۶- به گربه گم می کنند- ظاهر حرفش یکی است- کاستن و پایین آمدن- بانگ بیابانی
- ۷- کنایه از نسل نوپا و خردسالان- حاشیه کتاب و دفتر

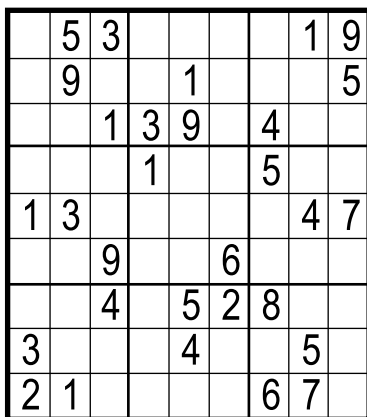


- ۸- ماهی است درخزان- ظاهر ساختمان- از جزایر نفتی کشورمان
- ۹- زورگو و گردن کلفت- دانشمند و فیلسوف مشهور چین کهن
- ۱۰- نوکر بی سر و پا- شجاعت و گستاخی- از جزایر مدیترانه- خورش فصل
- ۱۱- زیارت کننده- موءسس سلسله افشاریه- ظرف ترشی در سردابه



- ۸- سازمان پیمان نظامی آتلانتیک شمالی- وای به روزی که بگنند- سرگیجه
- ۹- کمر و وسط هر چیز- ضد ضابطه و هرج و مرج طلب است
- ۱۰- تردید و نابوری- پاک و بی آلابش- پیکان راهنما- آهنگی در موسیقی ایرانی
- ۱۱- مربوط به نجف- ورزشی جمعی و میدانی- ضرب المثل در باریکی
- ۱۲- از بیمارهای خطرناک و مسری- گوهری از زغال- معادل پوچ

- ۱۲- طناب و رسن- دهشت زده است و در فارسی به بیهوش گویند- همان لیکن است
- ۱۳- اساس آبادانی- نوعی گل سرخ- زمین ناآباد- جامه پشمی چوپانی
- ۱۴- آزرمتگین و خجلت زده- کارش رسم کردن است- ابریشم و حریر
- ۱۵- به رسم یاد بود دهند- ورزشی رومی و دفاعی



چهارگوش باید از شماره های در هر ردیف افقی و عمودی و ۱ تا ۹ باشد و عدد تکراری در آن نداشته باشد.

